

همگانی کردن آموزش؛ نقشه راه توسعه تعاونیهای دانش محور

مهندس امین ففغوری - مهندس آزاد سعیدی

و جدید و دسترسی آسان تر به تجهیزات آموزشی برای رسیدن به قله‌های پیشرفت و رضای نیازهای آموزشی و کسب مهارت می‌باشد.

مروری گذرا بر سیاستهای ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد و تاکید ویژه ایشان بر تلاش جهادگونه در تسریع روند اجرای آنها به همراه تاکید تمامی مسئولان اجرایی کشور بر تحقق هر چه سریعتر این سیاستها برای تحقق انقلاب در اقتصاد کشورمان، همچنین الزام ارتقای سهم بخش تعاونی از ۵ درصد کنونی به ۲۵ درصد اقتصاد کشور و گسترش تعداد تعاونیهای کشور از یک طرف و زمینه بسیار مساعد پذیرش این بخش از اقتصاد (تعاونی) از سوی روستانشینان به دلیل ماهیت و نوع زندگی و اشتغال آنان از طرف دیگر، گسترش روزافزون و بیش از پیش آموزش و ارائه علوم تخصصی را به این دسته از هموطنان و افرادی که تمایل به ایجاد کسب و کارهای جدید، خصوصا در قالب شرکت های تعاونی، دارند، طلب می کند.

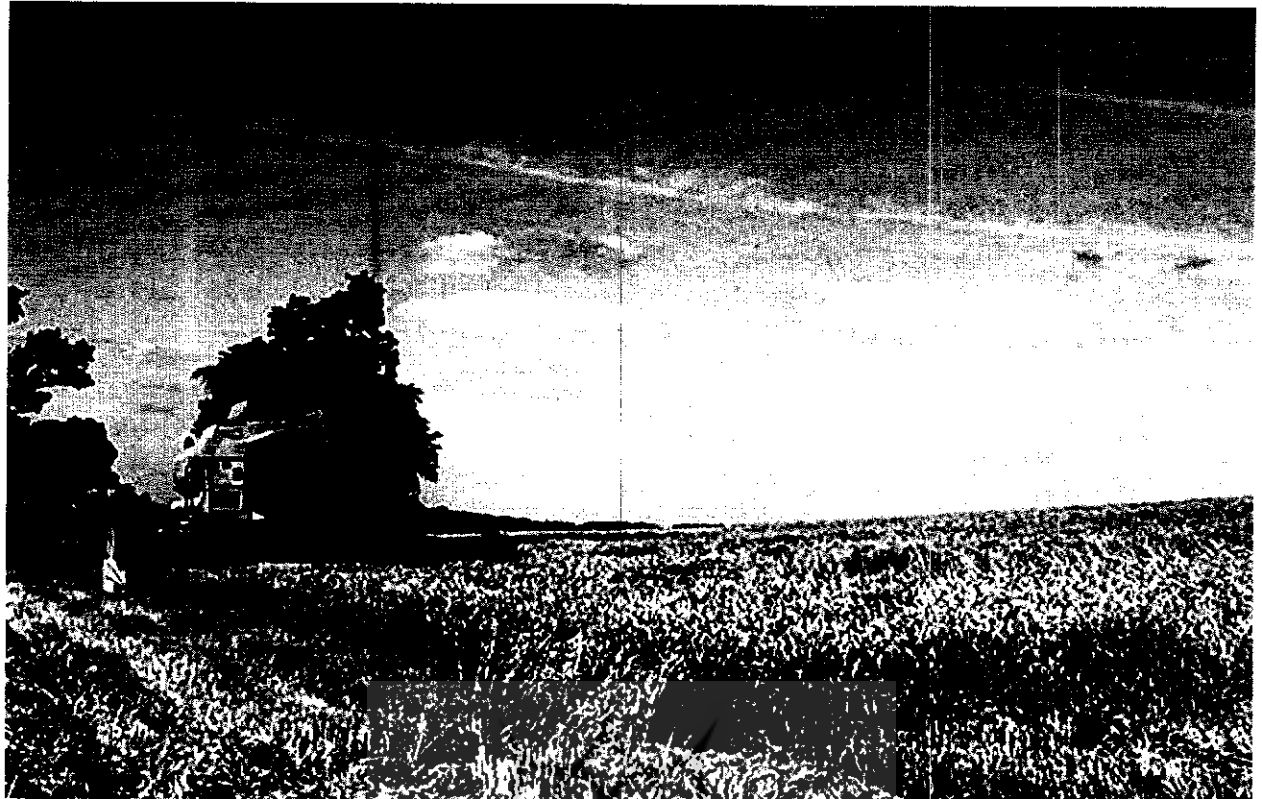
فراهم آوردن شرایط آموزش و بهره‌مندی از علوم و فنون جدید برای روستاییان عزیز و زحمتکش که در سراسر نقاط این مرز و بوم در حال گذران زندگی و تامین بسیاری از مایحتاج شهرنشینان هستند؛ همانانی که در عین نیازمندی و علاقه وافر به فراگیری این فنون، بنا به دلایل خواسته و ناخواسته محروم از آن مانده‌اند، در طرح «هجرت» متبلور و تحقق آن در سال پیامبر اعظم (ص)، بدون شک نویدبخش طلیعه حرکت کلیه مسئولان و متولیان آموزش و اشتغال کشور از جمله مسئولان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور در دایره‌ای به وسعت حکومت اسلامی با شعاع عدالت و مهرورزی به تمامی بندگان خداست.

گسترش فزاینده شهرنشینی به همراه رشد سرسام‌آور تکنولوژی، وضعیت متعادل و زندگی سنتی روستاییان را دچار تحول و به هم ریختگی کرده است که این معضل، نه تنها شامل حال کشور ما، بلکه گریبان همه کشورهای در حال توسعه را گرفته است، به طوری که در اوایل دهه ۷۰، بیش از دوسوم جمعیت ایران ساکن روستاها بودند و امروزه این عدد به یک سوم رسیده که خود نشان از تحول و تغییر در روستاهاست.

در گذشته آنچه سرنوشت یک روستا را رقم می‌زد، شرایط جغرافیایی آن بود، به طوری که طی گذشت قرن‌ها طبیعت روستا دستخوش تغییرات چندانی نمی‌شد، راه‌های ارتباطی چندانی وجود نداشت و وسایل ارتباط جمعی نیز در روستاها معنا پیدا نمی‌کرد و غیر قابل استفاده بود.

گسترش گستره ارتباطات، افزایش خدمات پزشکی، کاهش مرگ و میر آدمیان، دستیابی به فناوری‌های نوین و تمایل فزاینده بشر به استفاده هر چه بیشتر از امکانات رفاهی و... همگی باعث افزایش موج شهرنشینی و تجمع امکانات رفاهی و مدرن برای زندگی راحت و به دور از مقتضیات زندگی روستایی شده است که این موضوع، مهاجرت روستاییان را باعث شده که خود، نقطه شروعی است برای ظهور و بروز انواع و اقسام مشکلات از جمله خالی شدن روستاها از سکنه و تبدیل عناصر مولد به مصرف کننده؛ مصرف کنندگانی که در گذشته تامین کننده بسیاری از مایحتاج و نیازمندی‌های قشرهای دیگر بوده‌اند و این نیز سرآغازی است برای نواخته شدن ناقوس مرگ روستاها.

بدون شک، یکی از عمده‌ترین دلایل مهاجرت روستاییان به شهرها و برعهده گرفتن نقش «انبار نیروی کار ارزان» برای شهرها، علاوه بر افزایش بی‌رویه جمعیت، بیکاری و کم توجهی به توسعه متوازن و پایدار، تمرکز امکانات مدرن



توانمندسازی منابع انسانی؛ ضرورتی اجتناب ناپذیر

امروزه آموزش به عنوان یکی از روش های توسعه منابع انسانی سازمان ها مطرح است. هر سازمانی به افراد آموزش دیده و باتجربه نیاز دارد تا مأموریت خود را به انجام برساند. پرورش انسان های زبده و ماهر که از آن به عنوان توسعه منابع انسانی یاد می شود، ضرورت اجتناب ناپذیری است که سازمان ها برای بقا و پیشرفت در جهان پر تغییر و تحول امروزی سخت به آن نیازمند هستند. به همین دلیل آموزش به عنوان یکی از وظایف اصلی مدیریت منابع انسانی مطرح بوده و همواره در تدوین برنامه های توسعه یا تغییرات سازمانی به عنوان عامل مهم مورد توجه قرار می گیرد.

بسیاری از علمای مدیریت و اقتصاد بر این باور هستند که در میان انواع سرمایه گذاری هایی که با هدف ارتقای بهره وری و در نهایت توسعه اقتصادی و اجتماعی انجام می شود، توانمندسازی نیروی انسانی به عنوان موثرترین عنصر دخیل در تحقق تلاش ها، مهم ترین و پرسودترین رکن توسعه به شمار می آید.

آموزش و بهسازی منابع انسانی در عصر کنونی به دلیل شرایط خاص زمانی، یکی از وظایف اجتناب ناپذیر سازمان ها و موسسات محسوب می شود که این مهم اصولاً در قالب برنامه های آموزش مدون کوتاه مدت یا دراز مدت به اجرا در می آید.

با توجه به گذار از سالهای بحرانی کشاورزی در ایران و در چند سال گذشته، روند بسیار مناسبی در افق کشاورزی ایران ترسیم

امروزه و برای بالا رفتن از پلکان توسعه و غلبه بر غول بیکاری، علاوه بر رفع مشکل اشتغال در کنار عمران و آبادی مضاعف روستاها، دولت علاوه بر فراهم آوردن شرایط گسترش کسب و کارهای جدید و ارائه تسهیلات مناسب، ناگزیر به بالا بردن سطح مهارت، کاهش ضایعات کشاورزی و افزایش بهره وری در روستاهاست؛ چرا که در برنامه چهارم توسعه، ۲ درصد از رشد تولید ناخالص ملی، معطوف به بهره وری است. این موضوع در کنار هدف بسیار مهم اشتغال جوانان، دولت مردان ما را ناگزیر به حرکت پرشتاب در مسیر سرمایه گذاری مضاعف در بخش آموزش با رویکردی نوین که همانا افزایش مهارت و تخصص می باشد، نموده است.

بدون تردیدی یکی از مشکلات امروزی روستاییان، افزایش ضایعات کشاورزی است که بخش اعظم آن مربوط به فقدان مهارت مناسب روستائینان در مراحل سه گانه کاشت، داشت و برداشت است که بر طبق تحقیقات انجام شده، با افزایش مهارت و سطح تخصص آنها، ۳۰ درصد این ضایعات قابل پیشگیری است. رفع این معضل عظیم، به همراه توجه ویژه به ایجاد صنایع تبدیلی و کنار دستی فرآورده های روستایی، بدون شک نه تنها باعث کاهش چشمگیر سیل مهاجرت روستاییان به شهرها می شود، بلکه می تواند روند آن را نیز معکوس کند.

آموزش روستاییان متناسب با نوع فعالیت و شرایط منطقه ای، معیشتی و جغرافیایی بدون شک پاسخگوی نیازهای واقعی آنان است که با چارچوبی جدید و به دور از ضوابط خشک و محدود کننده آموزش کلاسیک و شهری محقق می شود.

شده و برای تحقق گذر از مرز خودکفایی، باید در رفع ضعف‌های این بخش بیشتر تلاش شود.

با توجه به وضعیت‌های حادی که ایران پشت سر گذاشته است از جمله جنگ، خشکسالی، کمبود منابع مالی و سرمایه گذارهای اندکی که در این بخش صورت می‌گیرد، رشد بخش کشاورزی فراتر از رشد جمعیت بوده است و در بسیاری از موارد در مرز خودکفایی قرار دارد. استمرار فعالیتها در این بخش در زمینه کاهش ضایعات، افزایش بازده تولید و استفاده بهتر از منابع آب و خاک، بخش کشاورزی را در آینده به یکی از پربازده‌ترین بخش‌ها تبدیل خواهد کرد و تحقق این مهم، نیازمند افزایش بیش از پیش دانش و آگاهی شاغلان در این بخش است که با ارائه آموزش‌های لازم، محقق خواهد شد.

بر همین اساس و با توجه به درخواست‌ها و برنامه‌های جاری که در کشورها وجود دارد، سعی می‌شود که منابع مالی آن طرح‌ها از فائو یا بخش‌های دیگر تامین شود. فائو یک سازمان کمک کننده مالی نیست، بلکه یک سازمان تخصصی و فنی است که کمک‌های آن بیشتر به صورت انتقال تکنولوژی و دانش صورت می‌گیرد، یعنی مانند U.N.D.P (برنامه توسعه ملل متحد)، یونیسف یا U.N.F.P (برنامه جهانی سازمان ملل متحد) یا سازمان‌های دیگر زیرمجموعه سازمان ملل، صندوقی نیست که کمک‌های مالی به کشورها بدهد یا مانند W.F.P کمک‌های غذایی به کشورها اختصاص دهد.

همکاری فائو با کشورهای عضو در قالب مشاوره، معرفی کارشناس و برنامه‌های آموزشی و درخواست منابع و نیروی انسانی صورت می‌گیرد. کسب موفقیت در فعالیت‌های فائو منوط به تداوم اقدامات آموزشی است و این آموزش در سطوح مختلف در بین مدیران، کشاورزان و کارشناسان دولتی صورت می‌گیرد. برنامه‌های آموزشی نیز در قالب پروژه‌ها و در چارچوب برنامه‌های تعریف شده انجام می‌شود. پروژه‌هایی تحت عنوان Tele fode (برنامه غذایی از راه دور) در فائو وجود دارد که فقط با کمک زنان روستایی و سرپرستان خانوار صورت می‌گیرد و با توجه به این که تا به حال هزینه کمی داشته، بسیار موفق بوده است. منابع مالی برای تامین نهاده‌ها از طرف فائو پرداخت می‌شود. دفتر امور زنان روستایی و وزارت جهاد کشاورزی نیز بر این کار نظارت فنی می‌کنند و زنان روستایی نیز در قالب باشگاه یا گروه‌هایی، نیروی کاری را تشکیل می‌دهند.

این در حالی است که ترویج کشاورزی در ده سال گذشته در بسیاری از کشورهای جهان اعم از کشورهای صنعتی و در حال توسعه از لحاظ محدودیت‌ها و مسائل مربوط به منابع مالی و تحت پوشش قرار نگرفتن جمعیت وسیعی از کشاورزان مورد انتقاد جدی محافل اقتصادی و سیاسی بوده و نقش آن به عنوان تنها متولی انتقال تکنولوژی کشاورزی زیر سؤال قرار گرفته است.

این مسائل به نوبه خود بخش کشاورزی و به تبع آن ترویج را در ابعاد و صور گوناگون تحت تاثیر و تغییر قرار داده است. گرچه ماهیت نیروهای تحول‌بخش و دامنه آهنگ تغییرات در کشورهای مختلف، متفاوت است، ولی به عقیده بسیاری از صاحب نظران مهمترین و تعیین کننده‌ترین عامل تحول ترویج جهانی در شرایط کنونی، همان تجدید نظر در چگونگی تامین منابع مالی و تجهیزات لازم برای ارائه خدمات موثر ترویجی و نحوه کنترل و نظارت بر نحوه اجرای آن، متناسب با نیازهای بومی و جغرافیایی است.

ضرورت تغییر رویکردهای آموزشی

تجربه چندین دهه تلاش‌های توسعه‌ای با رویکرد بالا به پایین و نتایج به دست آمده در کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که این رهیافت در یافتن راه حل مشکلات روستایی از قبیل فقر، بیکاری، نابرابری، مهاجرت، فرسایش منابع طبیعی و نابودی منابع تولید با شکست روبه‌رو شده است. به زعم کارشناسان، این رهیافت در کار توسعه روستایی واقع گرا، پایدار و دراز مدت نبوده است و در سال‌های اخیر ناکارایی رهیافت بالا به پایین، ذهنیت کارشناسان و برنامه‌ریزان را به چالش کشیده و آنچه امروز در قالب رهیافت‌های پایین به بالا مطرح می‌شود، حاصل دگرگونی در پندارهای نادرست گذشته در مورد رهیافت متعارف از بالا به پایین است.

امروزه سیاستگذاران به خوبی دریافته‌اند که برنامه‌های توسعه روستایی باید از رهیافتی پیروی کنند که ضمن تامین اهداف مورد نظر در سطح ملی، باعث ایجاد تحرک و پویایی در جامعه روستایی شود تا در آینده این گونه جوامع برای انتقال به مراحل نوین توسعه، آمادگی لازم را به دست آورند. جوهره رهیافت جدید، بر مبنای تمرکززدایی و سپردن کار مردم به مردم در بستری از مشارکت واقعی می‌باشد. اهمیت این رهیافت، سازمان‌های ملی و بین‌المللی را بر آن داشته است تا با ابعاد فرصت‌هایی در قالب کارگاه‌های آموزشی، سمینارها و کنفرانس‌ها به تبادل تجارب و تبیین ابعاد مختلف رهیافت پایین به بالای توسعه مبتنی بر تمرکززدایی بپردازند.

نقش پیشرو کشاورزی در کشورهای در حال توسعه

بخش کشاورزی، یکی از منابع اصلی اشتغالزایی و تامین درآمد در بسیاری از کشورهای جهان، بخصوص در کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید و در این زمینه، عهده‌دار تامین امنیت و سلامت غذایی به عنوان هدف ملی می‌باشد. امروزه کشاورزی نه تنها به عنوان تامین کننده نیازهای معیشتی مردم، بلکه به عنوان زمینه‌ای مناسب در جهت تامین و تولید کالاهای صادراتی به

است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که کشاورزان یکی از سریعترین گروه‌های افزایش یابنده در استفاده از اینترنت در کانادا هستند و ۱۴٪ از کشاورزان در مقایسه با ۲۵٪ برای جمعیت عمومی، بطور دائم از اینترنت استفاده می‌کنند.

حمایت از مشاغل کشاورزی در روسیه

توجه به پروژه حمایتی مشاغل کشاورزی پایدار در روسیه (SASP) (Sustainable Agribusiness Support Project)، نخستین گام در اجرای طرح ایجاد شبکه ملی خدمات ترویج خصوصی برای کشاورزان به شمار می‌رود. این طرح، یک پروژه دو ساله برای افزایش تکنیک‌های کشاورزی پایدار در ۷ وزارتخانه کشاورزی روسیه که تسهیلات و مشاوره را به مراکز ترویجی ارائه می‌دهند، می‌باشد. از دلایل وجودی SASP در روسیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تکنیک‌های کشاورزی پایدار، مورد نیاز اقتصاد و خصوصاً شرایط محیطی روسیه می‌باشد.
 - تولیدکنندگان کشاورزی خصوصی روسیه به زحمت دوام آورده‌اند و ناامیدانه نیازمند اطلاعات و مشاوره برای موفقیت و توانایی برای کشاورزی خصوصی هستند.
 - خاک‌های آلوده و غیر حاصلخیز، نیازمند کشاورزی متمرکز شیمیایی است.

- نهاده‌های وارداتی، گران و غیر قابل دسترس هستند.
 این پروژه در ۷ منطقه روسیه و به اشکال حمایتی زیر اجرا شد:

- مشاوره شغلی، مدیریت مزرعه، تحقیق بازار و توسعه، حسابداری مزرعه، توسعه طرح مشاغل و تشکیل تعاونی.
 - ثبت قانونی کارکرد مشاور مزرعه، تشکیل تعاونی، مشاغل مالیاتی و اجاره زمین.

- مشاوره فنی برای انتخاب محصول و بذر، تناوب زراعی، مدیریت آفات و علف هرز، تبلیغات، توسعه واحیای خاک و تمرکز سیستم مزرعه‌ای برای حفاظت منابع و نگهداری محیط زیست.

- انتشار خبرنامه‌های ماهیانه در مورد علاقه کشاورزان هر منطقه.

توسعه روستایی در چین

چین کشوری پهناور با وسعت ۹/۴ میلیون کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر یک میلیارد نفر است. ۸۰ درصد جمعیت چین را روستائینان تشکیل می‌دهند که عمدتاً به شغل کشاورزی مشغولند. چین باید حدود ۲۰ درصد جمعیت جهان را تغذیه کند و این در حالی است که تنها ۷ درصد اراضی قابل کشت دنیا را در اختیار دارد.

اقتصاد چین تا حد زیادی متکی بر اقتصاد روستایی و در نتیجه

منظور تامین ارز و سامان‌دهی امور اقتصادی، به عنوان بخشی تجاری در اقتصاد جهانی چه برای کشورهای کم درآمد و چه برای کشورهای پردرآمد عمل می‌کند. به دلیل اهمیت بخش کشاورزی، انجام تحولات سازنده در راستای حصول پایدار اهداف برشمرده شده در این بخش مورد توجه همگان است. در این راستا دو چالش پیش روی توسعه پایدار بخش کشاورزی وجود دارد:

(۱) پاسخ مطلوب به نیازهای روبه‌رشد جمعیت انبوه متقاضی محصولات بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه و حصول پایدار اهداف ملی در زمینه سلامت و امنیت غذایی، کاهش فقر و پایداری زیست محیطی.

(۲) کارآمدی بخش کشاورزی از طریق افزایش بهره‌وری تولید و استفاده از مزیت‌های نسبی موجود در این بخش برای حضور موثر در بازارهای جهانی، به نحوی که موتور محرک برای تمام بخش‌های اقتصادی جامعه به حساب آید.

اطلاعات و دانش فنی در ساز و کارهای تولید و بازاریابی بخش کشاورزی به عنوان فاکتورهای مهم همپای زمین، نیروی کار و سرمایه عمل می‌کند و ترویج کشاورزی، تامین و یا تسهیل‌گری کارکرد بهینه این عامل مهم را در بخش کشاورزی بر عهده دارد و تحولات صورت گرفته، قطعاً می‌تواند بر ساختار و کارکرد ترویج کشاورزی تاثیر بگذارد.

آموزش‌های منطقه‌ای در کانادا

نگاهی به تجربه ترویج و آموزش‌های منطقه‌ای در کانادا، بیانگر این مسئله است که بهای تغییر ترویج کشاورزی، سرمایه‌گذاری بیشتری را توسط دولت، در خدماتی که واقعیت‌های اقتصادی را منعکس می‌کنند، طالب است و خواستار اطلاعات مناسب با تکنیک بالای جهانی و خاص مناطق می‌باشد. در کانادا دوره ترویج رایگان به سرعت تمام شد و جبران هزینه برنامه‌های ارائه شده، بیشتر و بیشتر اهمیت یافت. شراکت دولت و بخش خصوصی چنین آغاز شد: بخش کشاورزی و تحقیق غذایی، برخی از ایستگاه‌های خود را تعطیل کرده و کارشناسان کارمند آنها را با هم ادغام نمود. این بخش تحت یک همکاری شراکتی با صنایع خصوصی، سرمایه‌های تحقیق و توسعه را که می‌تواند سالیانه حدود ۷۰ میلیون دلار در پروژه‌های توسعه سلامت غذایی، تولیدات جدید، بازار و توسعه حفاظت محیط زیست، تزیق کند، به هم مرتبط می‌کند.

امروزه همان کشاورزانی که برای معاششان زراعت می‌کردند، وارد رقابت شده‌اند و آماده برای سرمایه‌گذاری در سمینارها و برنامه‌های انتقال تکنولوژی هستند، اما آنچه که به اقدامشان ارزش می‌دهد، سرمایه‌گذاری روی چیزی هست که واقعا مورد نیازشان است و خود می‌خواهند.

امروزه اینترنت یکی از ابزار بالقوه تلاش‌های ترویجی شده

بخش کشاورزی است. انقلاب کشاورزی چین در طی ۳۰ سال سیطره خود بر کشور، صدمات جبران ناپذیری را بر اقتصاد چین وارد کرد و سیاست‌های نادرست دولتمردان در آن دوران رکود شدید اقتصادی و فقر روستاییان را به همراه آورد.

امروز پس از گذشت دو دهه از اجرای اصلاحات سیاسی سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ که به انقلاب دوم موسوم است، پیشرفت‌های قابل توجهی در توسعه کشاورزی و نیز دستاوردهای مهمی در صنایع روستایی این کشور به دست آمده است. فقر به میزان چشمگیری کاهش یافته و منابع طبیعی و زیست‌محیطی کشور حفظ و احیا شده‌اند. از سال ۱۹۷۸ تا کنون کل تولید ناخالص داخلی کشور سالانه با نرخ میانگین ۱۰ درصد، تولید ناخالص داخلی در بخش کشاورزی ۵/۲ درصد و صنایع روستایی ۳۱ درصد افزایش داشته است. تعداد افرادی که در فقر کامل به سر می‌برند، به ۳۱ میلیون نفر یعنی ۶ درصد جمعیت روستایی کاهش یافته است. توسعه اقتصادی چین در این سال‌ها روندی آرام و سنجیده داشته است. در این مدت به تدریج از تصدی دولت بر کشاورزی کاسته شده و با اجرای سیاست‌های توسعه روستایی، درآمد روستاییان افزایش یافته است.

توسعه کار آفرینی و اشتغال در چین

تا قبل از انجام اصلاحات اغلب روستائینان در بخش کشاورزی مشغول به کار بودند. در سال ۱۹۹۱ حدود ۳۵۰ میلیون کشاورز به کار اشتغال داشتند که این تعداد تا سال ۱۹۹۷ به ۱۹۰ میلیون نفر کاهش یافت. نسبت افراد شاغل در بخش کشاورزی به کل شاغلان این کشور روز به روز کاهش می‌یابد و در حال حاضر به نزدیک ۵۰ درصد رسیده است.

روستاهای چین، تا قبل از انجام اصلاحات نقش «انبار نیروی کار» را برای شهرها ایفا می‌کردند. در مواقعی که شهرها نیاز به نیروی کار به‌ویژه نیروی کار ارزان قیمت داشتند، روستاییان برای کار جذب شهرها می‌شدند و در مواقعی که به دلیل رکورد اقتصادی در شهرها، نیازی به نیروی کار جدید نبود، روستاییان مهاجران دوباره به روستاهای خود باز می‌گشتند. برای بسیاری از مهاجران نه در شهرها شغل مناسبی یافت می‌شد و نه می‌توانستند دوباره در روستا به شغل کشاورزی بپردازند. برای حل این معضل دولت چین اقدام به تأسیس و راه‌اندازی شرکت‌های کوچک تولیدی و صنعتی در روستاها و شهرک‌ها نمود.

این شرکت‌ها در تمام دوران اصلاحات به‌جز سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ پیشرفت چشمگیری داشتند. در دوره زمانی بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۴ تولیدات این شرکت‌ها سالیانه ۳۰ درصد رشد داشته است. در سال ۱۹۷۸ حدود ۲۵ میلیون نفر در این شرکت‌ها مشغول به کار بودند، که این تعداد تا سال ۱۹۹۰ به ۹۰ میلیون نفر رسید. حدود ۶۰ درصد کارکنان این شرکت‌ها به فعالیت‌های

صنعتی مشغولند. شرکت‌های صنعتی در روستاها و شهرک‌ها محصولات گوناگونی را از کالاهای سرمایه‌ای عمده گرفته تا کالاهای مصرفی ارزان قیمت تولید می‌کنند.

شرکت‌های روستایی از نظر ابعاد، نوع فعالیت و تعداد کارکنان طیف گسترده‌ای دارند. تعداد کارکنان این شرکت‌ها بین ۹۰ تا ۴۱۰۰ نفر است. اغلب این کارکنان در همان شهرک یا روستای محل کار خود زندگی می‌کنند.

ارزش تولیدات این شرکت‌ها در سال ۱۹۸۶ بالغ بر ۳۵۴ میلیارد یوان بوده که حدود ۱۳/۷ درصد ارزش کل تولیدات صنعتی این کشور است. با تأسیس این شرکت‌ها متوسط درآمد روستاییان افزایش یافت. فرصت‌های شغل جدید و متنوعی فراهم آمد و زمینه برای مهاجرت از روستا به روستا فراهم شد. در حال حاضر این شهرک‌ها حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده و برای نزدیک به ۱۳۰ میلیون نفر اشتغال ایجاد کرده‌اند.

نکته مهم در این باره، نقش مهمی است که مؤسسات مالی و اعتباری روستایی در راه‌اندازی و پیشرفت این شرکت‌ها ایفا می‌کنند. این مؤسسات ابعاد متفاوتی دارند و هر یک نقش منحصر به فردی در ارائه خدمات مالی به روستاییان و در نتیجه اقتصاد ملی کشور دارند بانک کشاورزی چین، بانک توسعه کشاورزی چین، شرکت‌های سرمایه‌گذار روستایی و شرکت‌های تأمین اعتبار از جمله این مؤسسات هستند. این مؤسسات با اعطای وام و تسهیلات به کارآفرینان روستایی آنان را تشویق به راه‌اندازی شرکت‌های صنعتی و تولیدی می‌کنند.

ایران و گذار از کشاورزی سنتی

ظهور انقلاب عمومی کشاورزی ایران به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای گذار از کشاورزی سنتی به سوی صنعتی و مدرن در حالی مطرح است که تجربه وقوع چنین انقلابی همزمان با افزایش پتانسیل‌های کشاورزی در کشورهای اروپایی اتفاق افتاده است.

امروزه تولید بیشتر محصولات کشاورزی به معنای افزایش توانمندی کشاورزی محسوب می‌شود، بدیهی است تولید بیشتر مساوی است با درآمد بیشتر، اما همیشه این معادله برقرار نخواهد شد، زیرا افزایش تولید به خودی خود نیازمند دو عامل افزایش سطح زیر کشت و افزایش عملکرد در واحد سطح است.

در مورد افزایش سطح زیر کشت، می‌توان گفت تقریباً در سراسر دنیا زمین‌های مرغوب و مناسب، تاکنون به زیر کشت رفته‌اند و سرعت افزایش سطح اراضی کشاورزی نیز بسیار کم و نامحسوس است.

افزایش عملکرد در واحد سطح نیز با مشکلات فراوانی از جمله کمبود تکنولوژی و انرژی مصرفی، توجه به کشاورزی سنتی و

راه‌اندازی نظام تضمین کیفیت محصولات، ترویج دانش فنی کاهش ضایعات، ترویج الگویی صحیح مصرف و تقویت و توسعه مراکز کارآمد جمع‌آوری اطلاعات به واحدهای عملیات پس از برداشت باید مدنظر قرار گیرد.

از طرفی ظرفیت صنایع موجود بالغ بر ۱۴ میلیون تن است که مقرر شده، این رقم در پایان برنامه چهارم توسعه به ۲۳ میلیون تن برسد تا زمینه فرآوری ۴۲ میلیون تن محصول کشاورزی فراهم شود.

به‌طور خلاصه از آنجایی که کاهش ضایعات محصولات کشاورزی به میزان ۵۰ درصد تا پایان برنامه چهارم توسعه پیش‌بینی شده است، بنابراین فعالیت‌های صنعتی اشتغالزای موسوم به فعالیت‌های «خارج از مزرعه» به عنوان فرصت‌های تکمیلی اشتغال، تولید و افزایش درآمد خانوارهای روستای همواره باید مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه قرار گیرد که این مهم، خود مستلزم آموزش مستمر و هدفمند روستاییان با ملزومات این اهداف است.

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، به عنوان یکی از پیشگامان امر آموزش در کشور، با در اختیار گذاشتن آموزش‌های رایگان، آسان و متناسب با شرایط اقلیمی و جغرافیایی و مطابق با نیازهای واقعی روستاییان در مناطق مختلف کشور در قالب طرح «هجرت» برای ارتقای سطح علمی و مهارت کشاورزان از یک طرف و اعطای تسهیلات بسیار مناسب برای مکانیزاسیون روش‌های کشاورزی و فعالیت‌های روستایی و ایجاد صنایع تبدیلی و از طرف دیگر، گام بسیار مهمی را در تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و تحقق برنامه‌های چهارم توسعه برداشته است.

سازمان فنی و حرفه‌ای و نقش آن در همگانی کردن آموزش

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور برای تحقق رهنمودهای مقام معظم رهبری و توجه ویژه به قشر مستضعف و محروم ایران اسلامی، همگام با دیگر فعالیت‌های دولت محترم جناب آقای دکتر احمدی‌نژاد، یکی از ارکان اصلی تولید و پایداری کشور که همانا روستاها و روستائینان عزیز می‌باشند را مدنظر قرار داد و پس از انجام مطالعات و تحقیقات کارشناسی، اقدام به تدارک فاز اول سامانه طرح «هجرت» نمود که در این زمینه، ۱۶ حرفه آموزشی در روستاهای کشور با تامین ۳۰۰ واحد آموزشی و ۶۰۰ کارگاه باهدف کمک به معیشت روستاییان و ایجاد اشتغال در روستاها و استقرار زمینه تولیدات فنی و صنعتی و احاله آن به کارخانجات صنعتی راه‌اندازی شد.

پیرو سیاست‌های سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان کردستان نیز پس از انجام مطالعات، مکاتبات و همفکری با ارگان‌های مرتبط در این

عدم یکپارچگی اراضی کشاورزی مواجه است.

همچنین زمانی تولید بیشتر منجر به درآمد بیشتر خواهد شد که این تولید مزرعه‌ای به تولید صنعتی تبدیل شود، اما از ریسک و خطرات نوسان‌های قیمت در بازار محصولات کشاورزی نباید غافل شد.

آمارها نشان می‌دهد که پس از ورود هر نوع تکنولوژی جدید در عرصه کشاورزی، تعداد زیادی از کارگران شغل خود را از دست می‌دهند، اما صنایع فرادست و فرودست کشاورزی نیز با همان سرعت افزایش تولید در کشاورزی و در برخی موارد بسیار سریع‌تر از آن شکل می‌گیرند و زمینه اشتغال را برای نیروی کار انسانی از کارگران ساده صنایع گرفته تا مهندسان، بازرگانان، فروشندگان و واسطه‌گران ایجاد می‌کنند. با چنین الگویی از توسعه، نقش صنایع تبدیلی و فرآوری تولیدات کشاورزی روز به روز پررنگ‌تر و جدی‌تر می‌شود.

بنابراین کشاورزی علمی با اتکا به دانش و علم روز، بدون ایجاد زمینه سرمایه‌گذاری مناسب در صنایع تبدیلی کاری از پیش نخواهد برد و هر گونه تولیدی بدون پشتوانه بازارهای دائمی، خالی از خطر نخواهند بود. این در حالی است که بسیاری از کشاورزان مجبورند عمده سرمایه‌گذاری خود را صرف دارایی‌های ثابت کنند و با این عمل سرمایه در گردش کشاورز که می‌تواند پشتوانه ریسک بازار در قیمت محصولات باشد، به مقادیر نسبتاً اندکی تقلیل می‌یابد. اما لازم است هر کشاورز بخشی از سرمایه خود را به امور تبدیل، بسته‌بندی و سایر اعمال پس از برداشت اختصاص دهد.

توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در کنار امنیت غذایی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور نیز مدنظر قرار گرفته است. به طوری که براساس یکی از بندهای تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۸۵، مقرر شده است مبلغ ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال برای توسعه، اصلاح و بهبود باغ‌ها، دامپروری، مرغداری و صنایع تبدیلی و تکمیلی و تولیدات گلخانه‌ای در جهت اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان کشاورزی در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار گیرد تا به باغداران، دامداران، مرغداران و صاحبان صنایع تبدیلی و تکمیلی با اولویت دانش‌آموختگان بخش کشاورزی پرداخت شود. سالانه ۸۵ میلیون تن انواع محصولات کشاورزی در کشور تولید می‌شود که ۱۷/۸ درصد آن به صورت ضایعات از بین می‌رود، اگر میانگین ارزش هر کیلوگرم محصول کشاورزی را ۱۰۰ تومان در نظر بگیریم، سالانه ۲ تریلیون و ۳۴ میلیارد تومان به علت ضایعات محصولات کشاورزی به اقتصاد کشور خسارت وارد می‌شود که با گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی و ایجاد انبارها و سردخانه‌های جدید می‌توان از ضایعات محصولات کشاورزی جلوگیری کرد.

همچنین می‌توان با اصلاح ساختار عملیات پس از برداشت،



زمینه از جمله مراکز تابعه، استانداری، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها، ادارات مرتبط با آموزش روستاییان از جمله ادارات تعاون، جهاد کشاورزی، تعاون روستایی، نیروی مقاومت بسیج، نهضت سوادآموزی، آموزش و پرورش، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بهزیستی و صنایع دستی اقدام به نیازسنجی براساس شرایط و توانایی‌هایی روستاها و بخش‌های استان نمود و براساس آنالیز اطلاعات به دست آمده، اقدام به تجهیز کارگاه‌های سیار و اجرای دوره‌های مورد نیاز نمود که از آن جمله می‌توان به دوره‌های ذیل اشاره کرد:

- ۱- سرویس و نگهداری سم‌پاش‌ها ۲- سرویس و نگهداری تراکتور و تیلر ۳- سرویس و نگهداری موتور الکتریکی ۴- سرویس و نگهداری خودروهای بنزینی ۵- لوله‌کشی ۶- برق ساختمان ۷- برق صنعتی ۸- بنایی ۹- بتن‌ریزی ۱۰- پرورش قارچ خوراکی ۱۱- زنبورداری ۱۲- پرورش گیاهان دارویی ۱۳- کشت کار گلخانه ۱۴- باغبانی ۱۵- تعمیر لوازم خانگی ۱۶- جوشکاری ۱۷- رایانه ۱۸- گیوه‌بافی ۱۹- گلدوزی ۲۰- خیاطی.

شایان ذکر است با اتمام فاز اول این طرح در استان کردستان، ۱۶۲۶ نفر (۱۱۸۱ نفر مرد و ۴۴۵ نفر مرد) طی مدت زمان ۱۳۰ روز و براساس ۱۸۲۶ نفر دوره (مطابق با ۱۲۱۴۳۲ نفر ساعت) موفق به برخورداری از امکانات آموزشی این اداره کل شدند که بازتاب بسیار وسیعی در استان داشت.

استان کردستان با مساحتی در حدود ۲۸۲۰۳ کیلومتر مربع در غرب ایران و در مجاورت خاک عراق بین ۳۴ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد و محدود است از شمال به استان آذربایجان غربی و قسمتی از استان زنجان و از جنوب به استان کرمانشاه و از شرق به استان همدان و قسمت دیگری از استان زنجان و از غرب به کشور عراق.

این استان شامل ۹ شهرستان، ۲۳ شهر، ۲۶ بخش، ۸۳ دهستان و ۱۹۰۳ آبادی است که ۱۰۲۱۱۴۳ هکتار از کل مساحت آن را اراضی زراعی، ۳۲۰۰۰۰ هکتار آن شامل جنگل و ۱۴۰۰۰۰۰ هکتار از آن نیز پوشیده از مراتع است.

براساس آخرین سرشماری انجام شده در آبان ماه سال ۱۳۷۵، جمعیت این استان ۳۸۳،۳۴۶ نفر اعلام شده که از این تعداد، ۷۰۵،۷۱۵ نفر در قالب ۱۶،۱۴۲ خانوار شهرنشین و ۶۴۰،۶۶۸ نفر نیز در قالب ۱۱۴،۰۴۱ خانوار در روستاها ساکن هستند. از این تعداد، ۹۷۳،۵۰۲ نفر دارای سن بیش از ۱۰ سال و در گروه جمعیت فعال قرار گرفته‌اند. از میان ۳۲۷،۳۲۷ نفر شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در این استان، تعداد ۱۰۴،۶۳۷ نفر در بخش کشاورزی و جنگلداری مشغول فعالیت هستند که رقمی حدود ۳۲ درصد را نشان می‌دهد.

این در حالی است که براساس اعلام مدیر کل تعاون استان کردستان، هم‌اکنون دو هزار و ۶۲۲ تعاونی با ۲۹۰ هزار نفر جمعیت در این استان فعال هستند که با ۲۴۶ میلیارد ریال سرمایه زمینه اشتغال ۱۱ هزار و ۵۱۵ نفر را ایجاد کرده‌اند.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نقش آن در گسترش فعالیت‌های تعاونی

ارائه آموزش‌های رایج در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در سراسر کشور به همراه آموزش روستاییان در قالب طرح هجرت، همچنین ارائه آموزش‌های تخصصی ارتقای مهارت‌های کارآفرینی برای متقاضیان دریافت تسهیلات با هدف ایجاد بنگاه‌های کوچک اقتصادی و زودبازده که از جمله خدمات جدید این سازمان در سراسر کشور می‌باشد از یک طرف و همکاری بیش از پیش ادارات کل آموزش فنی و حرفه‌ای در استانها با ادارات کل تعاون که خوشبختانه هر دو از متولیان ایجاد اشتغال و گسترش بنگاه‌های اقتصادی می‌باشند، نویدبخش حل تدریجی و گام به گام معضل بیکاری و اشتغال در سراسر کشور از جمله استانهای کم برخوردار می‌باشد.

تاکید بر گسترش تعاونی‌های دانش محور که یکی از سیاست‌های مهم وزارت تعاون در سال ۸۵ عنوان شده و این در حالی است که یکی از مباحث اصلی در اقتصاد هر کشوری بخصوص در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران که با موج جمعیت جوان روبه رو می‌باشد، اشتغال است. ایجاد فرصت‌های شغلی برای دستیابی به درآمد مشروع و جلوگیری از گسترش آسیب‌ها و معضلات اجتماعی امری ضروری است. با توجه به نداشتن مهارت و تخصص در بسیاری از افراد متقاضی شغل در کشور ما، ضرورت ارائه آموزش‌های تخصصی و افزایش توان مهارتی در جوانان جویسای کار، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

بخش تعاون به عنوان یکی از بخش‌های اقتصادی کشور در جذب سرمایه‌گذاری مولد و اشتغالزای تابع سیاست‌های جاری کشور است. این بخش در صورت شناخت موانع و محدودیت‌ها در زمینه اشتغال و ارتقای ضریب امنیت سرمایه‌گذاری داخلی و در صورت اجرای طرح‌های حمایتی و ایجاد تسهیلات مالی و اعطای وام‌های کم بهره و نیز بازنگری و تجدید نظر در قوانین و مقررات و آیین نامه‌های اجرایی می‌تواند به عنوان محور توسعه اقتصادی در جذب سرمایه‌گذاری و همچنین ایجاد اشتغال مولد نقش سازنده‌ای به عنوان یک بازوی قوی اقتصادی - اجتماعی در خدمت دولت و خصوصاً جامعه روستایی قرار گیرد. از این رو همکاری بیش از پیش سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور به عنوان بزرگترین ارائه دهنده آموزش‌های تخصصی با هدف اشتغال جوانان و ارتقای مهارت جویندگان کار و وزارت تعاون به عنوان متولی بخشی از اقتصاد کشور که قرار است سکان هدایت ۲۵ درصد اقتصاد کشورمان را به دست بگیرد که ارتباط بسیار تنگاتنگی نیز با مقوله اشتغال دارد، ضرورتی اجتناب ناپذیر است که امید است در آینده‌ای نزدیک، تفاهمنامه همکاری میان آنها منعقد شود.

آموزش فنی و حرفه‌ای هر استان در جهت هم‌افزایی توانایی‌های آموزشی و فنی هر دو اداره کل و پوشش نیازهای آموزشی بخش تعاون با هدف گسترش روزافزون تعاونی‌های دانش‌محور.

۲- طراحی دوره‌های بیشتر متناسب با نیاز زنان روستایی.

۳- ارائه آموزش‌های مدنظر توسط بخش خصوصی و نظارت سازمان برای اجرای بهینه دوره‌ها.

۴- پایش و اندازه‌گیری کارایی و اثربخشی اجرای دوره‌ها در هر منطقه، شهر و استان و مقایسه آن با نتایج به‌دست آمده در سایر نقاط مشابه از نظر شرایط جغرافیایی.

۵- طراحی دوره‌های آموزشی متناسب با نیازهای واقعی استان، با توجه به سند توسعه که برای هر استان تدوین شده است.

۶- اجرای دوره‌های مورد نیاز در هر استان با توجه به شرایط آب و هوایی و شروع و پایان فصل کار که استقبال هر چه بیشتر روستاییان عزیز را در پی خواهد داشت.

۷- ارائه دوره‌های تکمیلی و تداوم آموزش‌های ارائه شده، متناسب با پیشرفت‌های منطقه‌ای و جهانی.

۸- ایجاد بانک اطلاعاتی صنایع و مشاغل روستایی و ارائه آموزش‌های متناسب با مشاغل هر استان.

۹- ارائه تجهیزات و امکانات متناسب به‌ویژه خودروهای مناسب با توجه به شرایط اقلیمی، جغرافیایی و پراکندگی مناطق و صعب‌العبور بودن بسیاری از نقاط روستایی که معضل بسیار بزرگی برای برخی از استان‌های کشور از جمله استان کردستان می‌باشد.

۱۰- ایجاد تعامل سازنده میان مطبوعات، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی برای معرفی این دوره‌ها و اطلاع‌رسانی هر چه بیشتر راجع به فواید آن.

منابع و ماخذ

- ۱- بررسی امکان واگذاری شرکتهای دولتی به بخش عمومی (۱۳۶۹). تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۲- چیمبا، جی. شاپیر و دنیس ای. راندینلی (۱۳۷۳). اجرای طرحهای تمرکز زدایی در آسیا، امکانات محلی برای توسعه روستایی (ترجمه عباس حکیمی، سید جواد میر و محمد سعید ذکایی). سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۱۶. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- ۳- حسینی، سید جمال (۱۳۷۷). خصوصی سازی ترویج کشاورزی در هلند. ماهنامه جهاد، شماره ۲۱۶-۲۱۷، سال ۱۳۷۷، صص ۳-۴.
- ۴- حسینی، سید محمود (۱۳۷۵). گرایشهای نوین جهانی در خصوصی سازی و تعدیل هزینه‌های ترویج کشاورزی. مجموعه مقالات اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان. کرج: ۱۳۷۵.
- ۵- رسهوک (۱۳۸۰). همکاری ترویج بخش خصوصی و دولتی در ترویج ترجمه فنی نیا و پاک نظر). ماهنامه جهاد، شماره ۲۴۷-۲۴۶، سال ۱۳۸۰، صص ۳۲-۲۷.
- ۶- گروه خاور نزدیک و شمال آفریقا در قسمت تحلیل سیاست فائو (۱۳۷۱). تمرکز زدایی منطقه ای برای برنامه ریزی توسعه کشاورزی در خاور نزدیک و شمال آفریقا. (ترجمه عصمت قائم مقامی). سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۹. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

نتیجه گیری

اظهار علاقه‌مندی و ارسال درخواست‌های بسیار متعدد از سوی روستاییان برای گسترش و ادامه این دوره‌ها از یک سو و درخواست‌های مکرر مسئولان مناطق روستایی از جمله فرمانداران، بخشداران، مسئولان شوراهای اسلامی شهر و روستاها، روسای ادارات تعاون روستایی، جهاد کشاورزی و... از سوی دیگر، موید کارایی و اثربخشی این طرح خداپسندانه بوده که وظیفه مسئولان را برای برگزاری فازهای بعدی این دوره‌ها را دوچندان خواهد کرد. بر همین اساس و بر پایه نظر سنجی‌های انجام شده از مسئولان و افراد آموزش دیده، موارد ذیل را به عنوان محاسن این طرح می‌توان برشمرد:

۱- دسترسی آسان به آموزش‌های مورد نیاز افراد در دورافتاده‌ترین مناطق روستایی که تاکنون سابقه نداشته است.

۲- ارائه آموزش‌ها مطابق با نیازهای واقعی مخاطبان.

۳- کاربست آموزش‌های ارائه شده در کوتاه‌ترین زمان ممکن که بعضاً، کارایی و اثربخشی آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن قابل پایش و اندازه‌گیری است.

۴- کاهش چشمگیر هزینه‌های سربار و ضایعات که گریبانگیر بیشتر کشاورزان و روستاییان کشورمان است.

۵- ارائه آموزش‌های مورد نیاز به زنان روستایی که از اهداف توسعه هزاره نیز می‌باشد.

۶- ایجاد انگیزه در میان جوانان روستایی برای ایجاد کسب و کارهای کوچک و رونق صنایع تبدیلی در روستاها.

۷- کاهش روند مهاجرت روستاییان به شهرها.

۸- افزایش ضریب امنیت شغلی و ایجاد ساز و کاری مناسب و متناسب با شرایط روستایی برای حرکت در سمت و سوی توسعه پایدار.

۹- ایجاد روحیه رقابت‌پذیری میان روستاییان برای تولید محصولات با کیفیت بالاتر و کاهش قیمت تمام شده محصولات.

۱۰- و در نهایت، نهادینه کردن مفاهیم کار، تلاش و پیگیری در میان آحاد جامعه و حرکت جهت‌دار به سوی توسعه پایدار و دستیاری به مقام اول اقتصادی، علمی و صنعتی در افق سند چشم‌انداز بیست ساله نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.

پیشنهادات

در پایان و با توجه به پایش و اندازه‌گیری رضایت مشتریان (آموزش دیدگان) این طرح و آنالیز نظر سنجی‌های انجام شده، موارد ذیل برای هر چه پر بارتر برگزار شدن دوره‌های بعدی و اثربخشی آن، پیشنهاد می‌شود:

۱- هماهنگی و تعامل دوسویه میان ادارات کل تعاون و